

# حقیقت انسانیّه از حیثیت وحدت اصلیه و الفت روحیه مظهر واحدیت

## فائضه ئیست ...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت عبدالبهاء - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی

- شماره ۹۹۹

هو

دوست مهربان و سرور بزرگوار من

حقیقت انسانیّه از حیثیت وحدت اصلیه و الفت روحیه مظهر واحدیت فائضه ئیست که حکایت از تجلیات احدیت هویت غیبیه نماید در این مقام تعینات و شئونیکه از لوازم تکثر و تفرّق و مستلزم تعدّد و تشّت است ظلّ متناهی بلکه مضمحل و فانیست بناء علیه طائفان کعبه عرفان و عاشقان جمال رحمن را ارتباطی معنوی و اتحادی حقیقی و ذاتیست که از نتایج وحدت اصلیه و تحقّق الفت روحیه است و حدیث شریف انّ الله خلق الخلق فی ظلّته ثمّ رشّ علیهم من نوره و من اصابه ذلک النور فقد اهتدی و من لم یصبه فقد ضلّ دلیل جلیل و برهان مبین است مولوی گوید چونکه حقّ رشّ علیهم نوره مفترق هرگز نگردد نور هو مفترق شد آفتاب جانها در درون روزن ابدانها چون نظر در نور داری خود یکیست و آنکه شد محبوب ابدان در شکیست جان گرگان و سگان از هم جداست متّحد جانهای شیران خداست بر مثال موجها ابدانشان در عدد آورده باشد بادشان مقصد از تمهید این مقدمه آنکه هرچند در مرتبه امکان حسّی در حضرت حواسّ ظاهره بیگانه بودیم لکن در حضرات اولیّه علویه آشنای یگانه و در ظاهر واسطه معارفه جناب سباعی افندی بودند و در حقیقت رابطه الفت عنایت واحد حقیقی چنانچه میفرماید الارواح جنود مجنّده ما تعارف منها ائتلف و ما تناکر منها اختلف در راه عشق مرحله قرب و بعد نیست باری الحمد لله و المنّه که در جمیع مراتب اساس متین حبّ حقیقی و آشنائی معنوی ثابت و راسخ شد و لذائد الفت روحانی و محبت وجدانی حلاوت بخش مذاق اهل میثاق گشت امید از عنایت بی نهایت حضرت احدیت چنانست که بصر این مشتاقان نیز بمشاهده روی آن سرور آزادگان منور گردد و لیس ذلک علی الله بعزیز مضامین بلیغ و عبارات فصیح نامه نامی آنحضرت را وصف نتوانم و حلاوت و سلاست و براعت و لطافت اسرار و معانی اشعار آنجناب را تعبیر نیامد لله درّ القائل و اذا نطقت فانک الجزاء بلبل گلزار فصاحت را بلاغتی چنین باید تا بر افنان معانی باهنگ پارسی بسراید جان رقص میکند بسماع کلام دوست باری از سرائر دل و



ORIGINAL

جان قلم رقم نتواند و مداد استعداد ندارد خامه و نامه هردو بیگانه شرح حال عاشقان را دل بدل تواند گفت این نه شیوه  
قاصد و این نه حدّ مکتوبست